



دیدگاه

شماره: ۹۹۲	موضوع: اهمیت ایجاد شبکه های نوآوری منطقه ای و بخشی در رشته فعالیت های اقتصادی و صنعتی کشور
تاریخ: ۱۴۰۱/۸/۹	
تهیه و تنظیم: دکتر مجید جلیلی	
توضیح اجمالی:	
با وجود نزدیک به یک دهه سابقه سیاست گذاری فناورانه و طراحی انواعی از ابزارهای حمایت از توسعه نوآوری، یکی از نقاط ضعف نظام نوآوری کشور، فقدان سازوکار های مشخص برای اشتراک و هم افزایی دانش، مهارت و ایده در سطح بخشی اقتصاد و صنعت است. به عبارت دیگر تاکنون سازوکار مشخص و مستدامی با هدف توسعه فناوری و نوآوری برای اشتراک مساعی فعالان اقتصادی رشته فعالیت های اقتصادی و صنعتی طراحی و پیاده سازی نشده است. برای این مهم ابزارهای متعددی می توان بکار گرفت که یکی از آسان ترین و ارزان ترین آن ها ایجاد شبکه های نوآوری است. یک شبکه نوآوری^۱ بستری ارتباطی میان بنگاه ها و مراکز دانش است که فعالیت های آن ها بر یک فناوری یا مسئله خاص^۲ متمرکز می شود. در واقع یک شبکه نوآوری حول یک رشته فعالیت مخصوص (نظیر صنعت غذایی) و یا یک فناوری ویژه (نظیر فناوری تولید بیوگاز) شکل می گیرد. این شبکه ها می توانند بر جنبه های مختلف نوآوری نظیر آموزش و مهارت افزایی، اشتراک دانش و تجربه، کندوکاو فناوری های مرزی و شناخت بازار متمرکز شوند (شبکه های انتقال دانش در صنایع بریتانیا یکی از تجربه های موفق تجارب جهانی شبکه های مذکور است). برای شبکه های نوآوری مزیت های متعددی می توان بر شمرد: • توزیع ریسک: یکی از مهمترین کارکردهای این شبکه ها، توزیع ریسک فعالیت های فناورانه و نوآورانه میان اعضای شبکه است. • ایجاد ارتباطات و جریان های اطلاعاتی و دانشی: ارتباطات میان دو طرف عرضه و تقاضا در این شبکه ها، امکان رصد و صید فرصت های نوآورانه را برای بنگاه تسهیل می کند. • حل مسائل چالش برانگیز: این شبکه ها قادر به حل مشکلات و چالش هایی هستند که یک بنگاه به تنهایی قابلیت حل آن ها را ندارد. • ارزان بودن: شبکه های نوآوری بر خلاف سایر پلتفرم های حمایتی، ارزان و کارا هستند و دولت و بنگاه بار هزینه ای قابل توجهی در آن نخواهند داشت. علاوه بر مزیت های فوق، آگاه سازی و انتشار فناوری و نوآوری همکارانه نیز از جمله مهمترین مزیت های شبکه نوآوری است که می تواند برای شرکت های کوچک و متوسط که اصولاً منابع مالی و تیم های مدیریتی و دپارتمان های ویژه برای این موضوعات ندارند بسیار مفید باشد. از این رو شبکه های نوآوری به عنوان راه حلی کارا برای غلبه بر شکست های سیستمی و بازاری SME ها در نظام نوآوری به شمار می آیند. نکته حایز اهمیت دیگر آن است که هرچند در ساختار این شبکه ها بنگاه های بخش خصوصی ذینفعان و بازیگران اصلی هستند، اما دولت و نهادهای آن نیز می توانند در ساختار این شبکه ها خصوصاً در بخش ارتباط صنعت و دانشگاه حضور پررنگ داشته باشند.	
نکات کلیدی:	
تشکیل و بکارگیری شبکه های نوآوری در سطح بخشی صنعت کشور، می تواند نقطه شروع تشکیل زیست بوم نوآوری حول این رشته فعالیت ها باشد، اما باید توجه داشت که موفقیت این شبکه ها نیازمند رعایت ملاحظات به شرح ذیل است. • اهمیت نگاه بخشی و منطقه ای: مناسب است شبکه های نوآوری مختص یک رشته فعالیت خاص و به صورت منطقه ای تشکیل شوند. از این رو لازم است ملاحظات آمایشی در استقرار آن ها با توجه به پتانسیل و ظرفیت مناطق مختلف جغرافیایی رعایت شود.	

^۱ Innovation Network

^۲ Problem-oriented



دیدگاه

- پرهیز از هزینه تراشی بالا برای راه اندازی: یکی از ریسک های شبکه های نوآوری هزینه کرد بالای مدیریت و اداره آن ها توسط سازمان دهنده شبکه است که می تواند در بلند مدت امکان فعالیت آن ها را مختل کند.
- نیاز به تیم هدایتی کارا: شبکه های نوآوری بیش از آنکه نیازمند سرمایه گذاری و هزینه کرد اولیه بالا باشند، نیازمند تیم هدایتی بسیار کارا برای هدایت کارگروه های داخل شبکه هستند.
- دشواری هدف گذاری کمی: با توجه به پیچیدگی های مختص شبکه ها و همچنین مجموعه بسیاری از عوامل غیرقابل کنترل، هدف گذاری کمی برای این شبکه ها دشوار است و نمی توان پیش بینی دقیق از نتایج عملکرد آن ها برای کوتاه مدت داشت.
- لزوم حمایت بلندمدت و با ثبات: با توجه به دیر هنگام بودن نتایج و دشواری اندازه گیری عملکرد شبکه های نوآوری، پشتیبانی و حمایت بلندمدت از آن ها در هاله ابهام قرار دارد. از این رو اراده سیاست گذار برای حمایت بلندمدت و با ثبات از این شبکه ها ضروری است.
- تضادهای احتمالی در خصوص حقوق مالکیت معنوی: با توجه به ماهیت شبکه های نوآوری، انتقال ایده ها و ابتکارات در این شبکه ها امری بدیهی است. بنابراین به منظور حمایت از حقوق مالکیت معنوی صاحبان ایده و حضور مستدام آن ها، پیاده سازی یک نظام کارآمد مالکیت فکری در این شبکه ها با هدف حمایت از اشتراک دانش، ایده ها و امکانات اعضا ضروری است.
- تنوع بخشی خدمات مختص ذینفعان: شبکه های نوآوری باید توانایی ارائه خدمات مورد نیاز ذینفعان مختلف را داشته باشند. از طرف دیگر سطح بهره مندی ذینفعان از خدمات این شبکه ها بسته به ظرفیت جذب، نگرش، اشتیاق و پشتکار هر ذینفع متفاوت خواهد بود.
- اهمیت ایجاد منافع مشترک: بدون تعریف و هدف گذاری منافع مشترک برای ذینفعان، حضور فعال آن ها در شبکه های نوآوری ممکن نخواهد بود. از این رو لازم است در شرح خدمات و اهداف شبکه های نوآوری، برنامه هایی با منافع همه گیر برای اعضا تعریف شوند.
- استقلال برنامه و عملکرد: با وجود اهمیت دخالت دولت برای شکل گیری شبکه های نوآوری و لزوم حمایت از ادامه حمایت آن ها، این شبکه ها باید خودمختاری و استقلال لازم را برای پیگیری اهداف خود بدون تبعیت از سیاست گذاری و هدفگذاری های دولتی داشته باشند. از این رو حمایت های مالی از این شبکه ها باید غیرمستقیم باشد تا استقلال و خودمختاری آنها زیر سوال نرود.
- ارزیابی شایستگی ذینفعان: بررسی شایستگی فعالان در شبکه نوآوری ضرورت دارد، و این شایستگی ها باید دو سوی تبادل فناوری و نوآوری (سمت عرضه و تقاضا) را پوشش دهد.
- بهره گیری از پتانسیل سایر شبکه ها: لازم است از پتانسیل سایر شبکه ها نظیر شبکه های صادراتی، شبکه های زنجیره ارزش، شبکه های توسعه مهارت و ... در افزایش کارایی شبکه های نوآوری بهره برداری شود.
- نقش نهادهای میانجی: از آنجا که محور تشکیل شبکه های نوآوری، ارتباطات دو سویه و چندسویه میان بازیگران است، نهادهای میانجی نظیر پارک های علم و فناوری، می توانند در هدایت و مدیریت شبکه های نوآوری منطقه ای نقش سازنده ای داشته باشند.